

کتاب ساخته‌ای دیگر از

الشیخ شبر الفقیه:

«علم الکلام و

تطوره عند العرب

رؤية في المعرفة و

المنهج والدور»

چکیده: کتاب علم الکلام و تطوره عند العرب رؤیه فی المعرفة و المنهج و الدور نوشته الشیخ شبر الفقیه، کتاب رونوشت شده از کتاب کلامی اهل سنت بوده که شبر با افزودن روایات شیعه و نیز در فصل اثبات صفات الهی با رونوشت از کتابی از الهیات مسیحیت، بنام خود منتشر نموده است. نویسنده مقاله حاضر، در دو بخش مقاله را در بوته نقد و بررسی قرار داده است: ۱. ارجاعات نادرست و ناهماهنگی مطالب کتاب با مستندهای ارائه شده، ۲. محتوا و مطالب متناقض و غیر متناسب با هم.

کلیدواژه: کتاب علم الکلام و تطوره عند العرب رؤیه فی المعرفة و المنهج و الدور، الشیخ شبر الفقیه، نقد کتاب.

پس از آنکه در مجله آینه پژوهش (آذرودی ۱۳۸۸، شماره ۱۱۹) طی مقاله‌ای از محمدحسن محمدی مظفر با عنوان «کتاب ساخته‌ای به نام الدلالة القرآنية فی فکر محمد حسین الطباطبائی (المیزان نموذجاً)»، آشنا شدم، در صدد نگاهی به دیگر تألیفات شبر الفقیه شدم که به اقتضای دامنه مطالعاتی خود به کتاب «علم الکلام و تطوره عند العرب» از همان مؤلف برخورد کردم. با مطالعه فصل‌های

پنجگانه کتاب علم الکلام، جعل در «علم الکلام تطوره عند العرب» را مضاعف از «الدلالة القرآنية فی فکر الطباطبائی» یافتم؛ چرا که در کتاب علم الکلام، کتاب مصدر رونوشت شده، کتاب کلامی اهل سنت بوده که با افزودن روایات شیعه. که شبر افزوده است. و در فصل اثبات صفات الهی، از کتابی از الهیات مسیحیت رونوشت کرده، مؤلف به نام خود منتشر نموده است، و عجیب‌تر اینکه شبر الفقیه به خود زحمت مطالعه کتاب خودش را نداده تا تناقضات و اشتباهات فاحش این سرقت بزرگ ادبی را اصلاح کند و گمان کرده با افزودن چند روایت از اهل بیت (علیهم السلام) در تأیید معتقدات اهل سنت! کسی از این سرقت ادبی مطلع نخواهد شد.

نقد کتاب «علم الکلام و تطوره عند العرب» در دو بخش ارائه خواهد شد:

۱. ارجاعات نادرست و ناهماهنگی مطالب کتاب با مستندهای ارائه شده؛
۲. محتوا و مطالب متناقض و غیر متناسب با هم.

این کتاب در پنج فصل با یک مقدمه کوتاه آمده است. به اصل کتابی که شبر الفقیه کتاب خود را از آن رونوشت کرده دست نیافتم، اما با مطالعه مقدمه و فصول کتاب با قطع نظر از اشتباهات و تناقضات موجود به دست می‌آید مؤلف کتاب از عالمان اهل سنت است. امید است این نوشته قدمی هر چند کوچک در راستای اعتلای فرهنگ و اخلاق نشر باشد.

● بررسی پی‌نوشتها و ارجاعات کتاب

صفحه ۲۹، شماره ۷ ارجاعی است به نصوص قرآنی درباره تحول دین حنیف ابراهیمی به بت پرستی در جزیره العرب که با مراجعه به پاورقی‌های فصل اول در صفحه ۶۲ با: «نگاه کنید به سیره ابن هشام و بلوغ الأدب» مواجه می‌شویم.

صفحه ۳۱، شماره ۱۲، در مورد آیاتی که درباره صابئة آمده است، به جای ارجاع به آیات مربوطه، با «الصبح المنیر و درایات فی الفكر الفلسفی» مواجه می‌شویم و در صفحه ۳۳، پاورقی ۱۴ مطلبی که از شهرستانی نقل شده را به آیات قرآنی ارجاع داده است!

در پایان فصل دوم نی کتابساز فراموش کرده است دوسطر پایانی فصل دوم را حذف کند که چنین آمده است: تألیف در رجب سال ۱۴۱۰ ق در مدینه منوره تمام شد و این در حالی است که این کتاب ساخته در ۱۴۳۰ ق چاپ اول منتشر شده است.

صفحه ۱۴۸ و ۱۵۰، شماره ۸ و ۹ و ۱۰، نادرست است و در صفحه ۱۵۲ نقل قولی از امیل درمنجام آمده که ارجاعش به تصحیح الإعتقاد شیخ مفید است!.

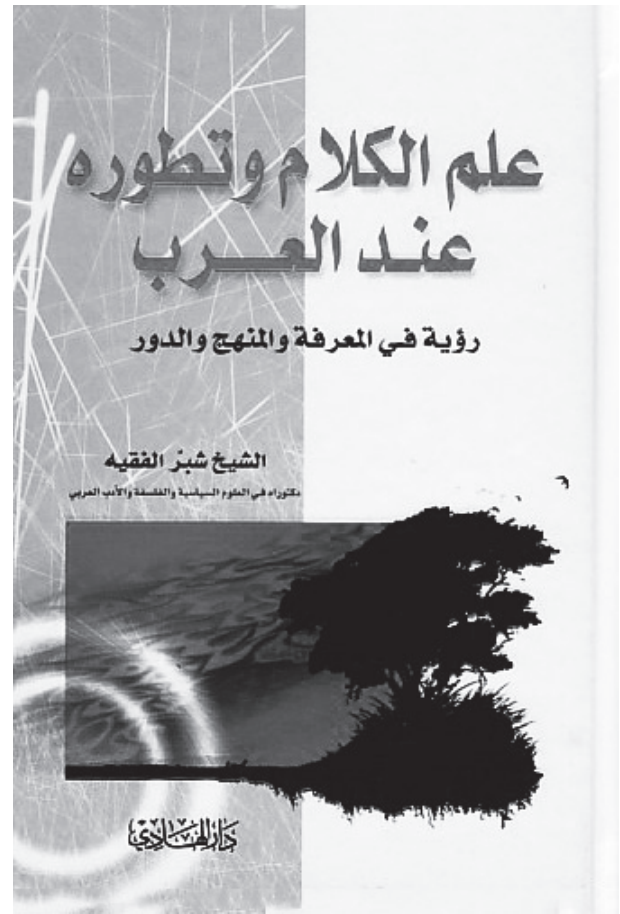
صفحه ۱۵۴، شماره ۱۲، استنادی به نهج البلاغه اضافه شده است که ارجاعش به مفردات راغب است و صفحه ۱۶۲ در شماره ۱۶ مطلبی از اوائل المقالات شیخ مفید را به آیه ۱۰۲ سوره نحل ارجاع داده است.

در صفحه ۲۲۵ ذیل بحثی از عصمت انبیاء از کفر، استناد به صفحه ۱۹۷ از جلد ۱۹ تفسیر المیزان داده شده است؛ در حالی که جلد ۱۹ صفحه ۱۹۷ تفسیر آیه های ابتدایی سوره صف است و هیچ ارتباطی به بحث عصمت ندارد و در صفحه ۲۳۷، شماره ۳۲ از کتاب عقائد الإمامیه الإثنی عشریه سید ابراهیم زنجانی مطلبی آورده و مرجعش را تفسیر قمی ذکر کرده است و در صفحه ۲۴۱، شماره ۳۴ مطلبی از تفسیر مجمع البیان نقل کرده و آن را به اربعین شیخ بهائی ارجاع داده است و اینگونه ارجاعات نادرست ادامه دارد تا اینکه در صفحات ۲۷۵ و ۲۷۶، شماره های ۸۳ تا ۸۵ مطالبی از علامه مظفر دیگران را به آیات قرآن ارجاع داده است!

در فصل پنجم و ششم نیز ارجاعات نادرست همچنان ادامه دارد و پرداختن به یکایک آن اطاله کلام خواهد بود، و ما از این فصول به همین اندازه بسنده می کنیم که در ابتدای فصل امامت از صفحه ۲۸۳ به بعد هفت مورد ارجاع به آیات قرآنی داده شده است که هیچ کدام واقعی نبوده، بلکه اساساً آیه ای نیست که گفته شود در تمیز آیات اشتباه شده است، بلکه چنانچه گفته شد، ایشان کتاب را از روی نسخه های دیگر رونوشت کرده، حتی زحمت مطالعه کتاب خود را به خود نداده تا اشتباهات فاحش آن را اصلاح کند.

● بررسی محتوا و مطالب متناقض و غیر متناسب با هم

در صفحه ۲۹ در کپی برداری اشتباه شده و یک پاراگراف تکراری است و در تعریف کلام، تعریفی از یکایک متکلمین اهل سنت آمده است و حتی یک تعریف از متکلمین شیعی به چشم نمی خورد و همچنین است در اسباب ظهور علم کلام که به همه اقوال علمای اهل سنت و اسباب درون دینی و برون دین اشاره شده است، ولی دریغ از یک روایت شیعی یا نقل قول از متکلمین شیعه و دلیل این، بسیار روشن است؛ زیرا جاعل کتاب، برای رونوشت برداری و کتاب سازی به کتابی از اهل سنت روی آورده است.



صفحه ۳۶ در تعریف علم کلام، با قطع نظر از اینکه یک تعریف از متکلمین شیعه وجود ندارد، کلیه ارجاعات نادرست است؛ برای نمونه تعریف فارابی را که در احصاء العلوم آمده است، به ملل و نحل شهرستانی ارجاع داده است (پاورقی ۲۱، ص ۳۶).

در فصل دوم از کتاب که درباره توحید خداوند است، با مراجعه به پی نوشت، بیش از چهل آدرس از روایت در منابع شیعه آمده است، اما دریغ از یک روایت در فصل دوم!

در صفحه ۸۱ (شماره ۳۳ و ۳۴) درباره قول به خلقت ناگهانی عالم، دو نقل قول از کریس موریس و فرانک آلن آمده است که ارجاع این دو نقل قول به سیره ابن هشام و نهج البلاغه آمده است! و همچنین است در ارجاع صفحه ۸۳ شماره ۳۸. در صفحه ۸۴ و ۸۵ و نیز دو نقل قول از فایبکن و ادمون هربرت وجود دارد که ارجاع این اقوال به روایات میزان الحکمة آورده شده است! همچنین صفحه ۸۷ و ۸۸، شماره ۴۳ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸.

جالب ترین جای کتاب صفحه ۹۱-۹۳ است که کتابساز، کتابی از الهیات مسیحیت را به نام خودش و در اثبات صفات خداوند در لابلای کتاب ساخته خود گنجانده است. در صفحه ۱۰۲، شماره ۶۶، ارجاع آیه قرآن را به کتابی به نام القيادة الإسلامية داده است.

که جاعل غافل از حذف آنها بوده، در صفحه ۳۹۷ نیز روایاتی از اهل سنت آمده که ارجاعات نادرست بوده، صفحه ۴۰۹ عبارات رضی الله عنه در ادامه نام ابی هریره توجه خواننده را جلب می کند و صفحه ۴۱۳ روایتی از امام صادق اضافه شده است؛ ولی از پاراگراف پایین غافل شده که روایتی از ابن عمر با پسوند رضی الله عنه وجود دارد.

صفحه ۴۲۲ روایات اصل کتاب و روایات جاعل هیچ گونه همخوانی ندارد؛ به طوری که «قال الإمام زین العابدین» و «روی عن امیر المؤمنین» و «عن ابی عبد الله» در کنار «عن ابی هریره» و «عمرو بن العاص یقول سمعت من رسول الله» برای هر خواننده ای تازگی دارد.

دلیل پایداری جعلی بودن کتاب اینکه: جاعل در صفحه ۴۲۵ آرای علما و بزرگان شیعه را درباره شفاعت در قالب «قال الشیخ مفید» و «قال العلامة المحقق الطبرسی» و «یقول العلامة المجلسی» آورده است؛ غافل از اینکه مؤلف کتاب در اصل کتاب اعتقادی به شفاعت شیعی نداشته، در همان کتاب با عباراتی در رد شیعه و ادعای شیعه مبنی بر شفاعت کتاب را به پایان می برد (رک: ص ۴۴۶-۴۴۸) و جاعل از حذف این بخش ها غافل بوده است.

مواردی که ذکر شد، تنها نمونه ای از دلایل جعلی بودن کتاب بود که اگر بنا بر اختصار نبود، قطعاً مجالی بیش از این می طلبید، و ما در مقاله حاضر، به این مختصر اکتفا کردیم؛ به این امید که اگر از نشر چنین کتاب ساخته هایی جلوگیری نمی شود، حداقل امکان چنین سرقت های ادبی با برچسبی مشخص شوند که ضمن جلوگیری از گمراه ساختن خوانندگان، وقت و سرمایه ایشان نیز به مطالعه چنین کتاب هایی به عنوان کتب اصیل، صرف نشود.

در صفحه ۵۳ ایمان در کلیه مذاهب کلامی اهل سنت و حتی نزد خوارج بررسی شده است؛ ولی جای تعریف شیعه و روایات شیعی در این بین خالی است و دلیل آن را روشن ساختیم. ولی جاعل، برای اینکه کتاب کاملاً از روایات تهی نباشد، در بعضی از ابواب، روایاتی اضافه می کند که برجعلی بودن کتاب بیشتر می افزاید؛ مثل صفحه ۵۶ که روایتی از امیرالمؤمنین درباره نقصان و زیاده ایمان می آورد، ولی ظاهراً در افزودن روایات دقت کافی نداشته است؛ چراکه این روایت در تأیید سخن اشاعره اضافه شده است.

در فصل دوم نیز که درباره توحید و خلق عالم است، حدوث و قدم عالم و نظریه جوهر اقوال کسانی مثل ابن حزم و اشعری و علاف و نظام و هشام فوطی و ابوبکر باقلانی به وفور آمده است و نام های متکلمین و فلاسفه بنام و تأثیرگذار شیعه خالی است و چقدر بعید است که عالم شیعی این مباحث را مطرح کند و نام و نشانی متکلمین شیعه را فراموش کند؛ مگر اینکه این عالم شیعی کتابی از اهل سنت را برای رونوشت انتخاب کرده باشد.

کتاب ساز برای تفنن یا رد گم کردن کتاب ساخته خود از منابع دیگری هم استفاده کرده است که ظاهراً بدون توجه به محتوای کتابی که رونوشت می کند، از کتاب های الهیات مسیحی هم بهره برده است. در صفحه ۹۱ که از صفات خدا و ادله آن بحث می کند، کلمات و سخنان عجیبی از الهیات مسیحی نقل می کند و تعجب هر پژوهشگری را برمی انگیزد که چگونه ممکن است چنین سرقت ادبی فاحش صورت پذیرد؟! و در ادامه بررسی صفات خدا (صفحه ۹۹ به بعد) به صفات تشبیه و تجسیم خدا می رسد و ادله آن را آورده، آن را اثبات می کند.

در برخی ابواب روایاتی از امیرالمؤمنین یا اهل البیت اضافه می کند که شک خواننده بر طرف شود؛ ولی غافل از اینکه روایاتی از زبان مالک و شافعی با پسوند رضی الله عنه نقل شده است و از دید جاعل پنهان مانده است (برای نمونه، رک: صص ۱۱۳ و ۱۲۲).

در صفحه ۲۶۴ روایاتی که از ابوهریره و صحاح نقل شده، از دید مؤلف پنهان مانده است و اضافه کردن روایات شیعی در لابلای مطالب کتاب، نتوانسته جعلی بودن کتاب را پنهان دارد.

ظاهراً مؤلف فراموش کرده است در بین فصول کتاب، فصلی را به امامت اختصاص داده و بدین جهت در لابلای مطالب فصل سوم که درباره نبوت است، مطالبی درباره امامت اضافه کرده تا شکی برای جعلی بودن کتاب باقی نگذارد؛ ولی این جعل بسیار ناشیانه بوده، توجه هر خواننده ای را جلب می کند.

در فصل پایانی کتاب در صفحه ۳۹۳ روایاتی از اهل سنت وجود دارد